

و تربیت است لهذا باید دست سیاست دراز نمود و در میدان قدرت و قوت تاخت و تاز
 کرد با وجود این چون نام دین تبدیل بر سلیم بیان آید با کمال تعصب تکلم نمایند و از شدت تعصب
 چنان توقع و تاسفی ابراز کنند که گویند کاش در میان قبائل عرب چنین رسولی مبعوث نمی شد
 و دست تطاول اعراب جهالت و توحش را کوتاه ننمودیم تا بیس اساس سعادت نیفرمود و ازین پدیده
 و کفایتش آثار مدفیت از آسیا بجد و اروپا نبریدیم متجاوز از یک ساعت نطق و بیان مبارک
 همه از این قبیل با نهایت سطوت و همینه بود چند آنکه قلوب حضار منتقلب سان جمیع بدح
 و ثنا ناطق جمیع خاضع گردیدند حتی جناب معین که قناعت او را بعضی مشکل دانسته بودند شهادت
 بر قوت بیان و غلبه بر زبان و بر فضل و حسان میدادند

روز ۸ جمادی الآخره (۲۵ مای) صبح اول اجبا و بند بجا دسته دسته در اطلاق
 مبارک مشرف و بعضی مطالب و مقاصد خویش و استماع اجوبه بی که مزید انجذاب و شورشان
 بود فائز و مفضل گشتند بعد شریف فرمای مجمع اجاب شده نطق مختصری فرمودند که عنوانش این بود
 دو امروز هوای پاریس خوبست لکن امید من نیست که در پاریس صفای دیگر پیدا شود
 روحانی حاصل گردد که قلوبش ارواح با ستر از آید کشفانات روحانی جلوه کند و نفوس را
 بازاد حقیقی و آسایش از آسایش نفسانی رساند گو کب شرقی بر این ارضی جهان تبا بد که آقا
 این ممالک را روشن فرماید و حدائق قلوب را رنگ گلزار و گلشن نماید مشامها معطر گردد
 رویها منور شود و نیست امید من از آخو مجلس کیکی از ان نفوس عمره بی که شب گذشته هم
 مشرف بودند ذکر انقلاب انجذاب حضرات را بعضی مبارک میسرانید که در شب در غیاب همه

اظهار ارادت و خلاص میگردند و مفتون جمال و کمال طلعت بمثال بودند فرمودند «خیلی مزه
 دارد که ما باید اثبات حقیقت رسول الله برای مسلمین نمایم با نیال باز مسلمانها از ما رضی نیستند
 و در اظهار عداوت و بغضا چیزی فروگذار نمی نمایند» عصر مجلس خوبی در منزل مسعود و ما دوام پدید
 بود و نطق مبارک در خصوص خدمت بوحدهت عالم انسانی و توجیه محور کمالات ربانیه و استفاضه
 از مرکز فیوضات رحمانیه و شرح بعضی از تعالیم مقدسه و کلمات مکنونه اهل مجلس بکریبان و کصوت
 دفعه همه بیان شکر و ثنا نمودند و از قیام بیگنایان قدس پیشه آثار الهیه گل حیران لهند با زبان
 عنایت ناطق و بلحاظ کرامت و شفقت مبارک هر یک از حضار ملحوظ تا صحن حرکت که یک یک
 به حضور انور آمده دست میدادند و استدعای برکت و تأییدی نمودند و با نهایت جذب
 و شوق در حول طلعت اظم حلقه زده بودند از آنجا بمنزل میر پاشا شریف بردند چون شب بهیول
 مراجعت فرمودند حکایت از بیانات مبارکه بجهت پاشای مذکور و اهل بیت او و آنجذاب
 و قلوب اخلاص صمیمی آنها میفرمودند

روز ۱۹ جمادی الآخره

(۲۷ مای) صبح زود مس نبلاک که عازم امریکا بود در ک فینض حضور نمود بسیار نسبت با او
 و خواهرانش و سترهن و سایر دوستان امریکا اظهار عنایت و وفای فرمودند و نوید تائید
 و عطای بخشید و با علاء کلمه الله و خدمت امر الله جمیع را بصیحت میگردند و پیام عنایت میدادند
 و چون جمعیت حاضر و بنفوز لقا فائز گشتند بناسبت اینکه بعضی معلم موسیقی بودند پس از تحسین تمجید
 و تشویق این حکایت را فرمودند که «وقتی از نیویورک بلند میآئیم دسته موزیک و
 کشتی هر روز صبح و عصر مشغول نوازتن بود و اهل کشتی محض گذرانیدن وقت بشنیدن مانوس نهایت

چون گاهی بهتر مینوختند نفوس چند دقیقه بوجد میآمدند و در آخر دست میزدند این بود نتیجه
 طرب و نوای آنها موقتی بود نه دائمی پس باید نغمهائی نوشت که ملا و اعلی را بطرب آورد و ساج
 و آثارش پایدار ماند این شعون جهانی نهایت و فاد بقایش بود است که جسم باقی باشد بعد فانی
 و فراموشش میشود اما کمالات و فضائل روحانی الی الابد باقیست اهمیت در آنست بکشید تا
 چنان مقامی حاصل نمائید سرور سرمدی جوئید جشن آشی برپا کنید بزم ملکوتی بیارائید خوان
 حیات آسمانی بگسترید و جهانیان را زندگی پانید و بخشد انیت سزاوار عالم انسانی بعد از آنست
 بمنزل احمد پاشا شریف برده در مسائل عدیده گفتگوی مفصل فرمودند و از کثرت صحبت بسیار
 خسته شدند ولی از خلوص و خضوع شخص مذکور و کسان او قلب اظهار خیالی سرور تر گردید و ظهور
 عنایات مبارکه نسبت بان نفوس هلبله بیشتر عصر در منزل سیو و مادام بکات محفل پرشوری
 بیتیا و از مشاهده تعالی دلبر فضل و عطا جانها منجذب بملکوت ابھی و دلها آشفته ذکر و ثنای
 محبوب بگفتا بود بدایت محفل تلاوت مناجات شد و چون مسرا وین ترجمه بعضی از آثار مبارکه
 را خواند تشریف فرمای جمع مشتاقان گردیده نطقی مشروح در ترقیات روح و طی مرتب عالم
 وجود و عدم ادراک عالم مادون نسبت بعالم مافوق فرمودند و بذكر مجال قدم تنها را جان
 و روانی جدید مبد دل داشتند

روز ۲۰ جمادی الآخره (۲۷ مای)

نقل مکان به پیون هتل (در کوچه نرستان) که سابق هم چندی در آنجا تشریف داشتند فرمودند
 و قبل از آن جمعی از دوستان و بعضی از نفوس محترمه عثمانیه تشریف حاصل نمودند و حکایات
 و بیاناتی بسیار مفصل در خصوص مسافرت مبارک با آمریکا دار و پا از قم ظهر جاری و روح معرفت

و اطمینان از نطق و بیان طلعت پیمان در عروق و ارکان نفوس ساری و چون هوش شریف فرما
 شدند فرمودند خیلی ضعف و خستگی دارم علی العجاله تا مردم از این منزل تازه مطلع شوند چند روز
 راحت می‌شویم. بعد شرمی درباره اهل پاریس فرمودند که از بس غرق هوا و هوسند و
 منجذب و متقلب شوند روز دیگر باز بحالت اولیه عودت نمایند اقامت در اینجا بجهت امور
 و مشاغل دیگر است باز عثمانیها ملاقاتشان بشیر قاضی و نتیجه دارد از این قبیل بیانات کمر
 می‌فرمودند تا عصر که بدین ورقه مبارک در دار القصره تشریف بردند و بعد از مراجعت تا دیر
 از شب گذشته با دکتور محمد خان پیاده در بعضی از خیابان های پاریس مشی و گردش می‌فرمودند
 روز ۲۱ جمادی الآخرة (۲۸) مای باز جمعی از دوستان از مکان

مبارک مطلع و بساحت نور مشرف و نطق مبارک در بیان مقام الوهیت و تقدیس ذات باری بود
 که هر قلبی بنحوی قائلند و از برای حق سبحانه و تعالی حد و شافی قرار داده اند باز که ساعت خوش
 منزه از حدود است و فیوضات و کمالش غیر محدود پس شرمی از عقائد فلاسفه قدیم و
 او بام و تعلقاتشان بگو اکب نجوم و پرستش مجسمه های آنها فرمودند و همچنین عصر جمعی دیگر از رجال
 و نسا و نفوس محترمه ای از عثمانیها مشرف و نطق و بیانی مفصل در خصوص قوا و غیر مرئی که بدن
 افعال مادی صرف تا اثرات روحانیه دارند از سان مبارک جاری و صادر گردید شام و ناهارا
 اکثر اوقات مخصوص بیکل اقدس مسیو و مادام در نفوس باری و یا احمد پاشا و دیگران در منزل طبع
 نموده بھوتل می فرستادند زیرا دانسته بودند که غذای هوتل مناسب حال مبارک نیست و
 از اینجهت بوجود اظھر سخت میگذرد لهذا با وجود منع شدید باز اکثر اوقات شام و ناهار مبارک میفرستادند

و بیشتر اوقاتی که در هتل همان داشتند هم خود وجود مبارک سر نیز تشریف بردند از روز بعد از ظهر بدین مس عکس تشریف بردند پس از مراجعت میفرمودند تا خیلی پیاده راه زروم میل بگذرانیم حرکت سواره کفایت نینماید لهذا دوباره بیرون خیلی گردش و مشی فرموده مراجعت نمودند

روز ۲۲ جمادی الاخره (۲۹ مای) صبح بیان مبارک با جواب زروم خرم

و معاشرت با یکدیگر و نتایج انس و الفت بود و بعضی را امر تحصیل سان فارسی میفرمودند ما را با طلعت مجبور با بعضی از خدام حضور منزل حضرت مدعو و موعود بودند قبل از صرف نماز حکایت

بجرت از طهران و حالت سختی و شدت برف و بوران در راه همدان و کرمانشاهان میفرمودند

همچنین مجله از آیام بغداد و ادرنه تا سخن عکا و قصه آیام اخیر و زمان سلطان عبدالحمید ذکر

مفیدین داخل و خارج و سوء حال و خسران مال آنان و چون آن شخص محترم بیانی از حال خویش عرض

رسانید انگاه سر نیز تشریف بردند اغذیه و طعمه همه طبع ایرانی از تبریز حاضر و موجود و مزاج

و ضروری تمام طعام تناول فرمودند و در ضمن ذکری از استادان فقه و اصول نمودند اگر

انگوه موشکافیها در مسائل محتمه می نمودند چه قدر نتایج داشت ولی چه فائده که جمیع اوقات خویش را

صرف علوم و مباحثی کردند که ابتدا بلفظ و منتهی بلفظ میشد نتیجه دیگر نداشت و پس از ما با نطق

بیان مبارک بذكر خیر شیخ مرتضای مرحوم علی الله مقامه و مراتب زهد و تقوی و انقطاع ایشان

در دیانت و ادب و خضوعشان در آیام دار السلام نسبت باین امر با منتهی رسید و از مراسم هماننداری

و خلوص و محبت صمیمی هم انداز محترم تعظیم و خضوع حضار قلب بندگان آستان بی نهایت مشرور گردید

در رجعت وقت عصر مراجعت فرموده بودند که غیر پاشا برای تشریف بمنزل مبارک آمد بعضی آنکه نیست

استراحت فرموده اند اظهار عبودیت باستان مبارک نموده گفت حالا میروم وقت دیگر شرف
 میثوم چون بعد بجزوه ظهر آمدن ایشان و اظهار عبودیتشان معروض آمد فرمودند در بستیها
 خبر دهید در این مواقع ابدًا ملاحظه راحت من نکنید آسایش من در خدمت مراست است اما
 پارس چندان استعدادی ندارند لهذا در اینجا باید بشرقیها پرداخت بلکه بعضی از آنها متذکر شوند
 آنچه مایه ذلت و بلاکت است نجات یابند و از خواب غفلت بیدار گردند اما عصر بعد از شرف جمعی
 از دوستان به بدن بعضی از بیمارهای جناب تشریف بردند -

روز ۲۳ جمادی الاخره (۳۰ مای) صبح در جمع بنا سبب سوال یکی از حاضرین فطقی
 در خصوص حالت انزوا و ریاضات شاقه فرمودند که سابق بعضی باین ملاحظه بر ریاضت مشغول می شدند
 که ترک لذت نفسانی نمایند و منع غضب و شهوت بلی چون از ریاضت و قلت اکل و شرب در جسم
 ضعف حاصل شود ظهورات شهوت و غضب کتری گردد ولی این نوع سکون غضب و تخفیف در
 شهوت عارضی است نه ذاتی زیرا که هرگاه باز باکل و شرب پردازد بحالت اولیه عودت نماید
 اگر کمال تعدیس نهان از ضعف جسمانی حاصل شود در اینصورت باید هر شخص ضعیفتر کافر باشد پس
 مقصود از ریاضت ترک نفس و هوی است با وجود مرزوق بودن بنعمان نه ممنوع شدن از آلاء
 خدا این نعمتها را برای انسان آفریده و صحت و بنیه جسم را وسیله ظهور قوت روح قرار داده
 با وجود قوه جسمانی اگر نفس نهانی سالم باشد و در حالت مقدار عادل این کمالست و در نه نفس
 اثر در است و کی مرده است از غم بی آلتی افسرده است عصر آن روز جناب قونول شوازر
 آلمانی و خانم محترمه اش از بهنگارت مخصوص زیارت خلعت بمیشال پارس آمدند بحضور مبارک

مشترف شدند و بعضی را ببلای پیام عبودیت و انجذاب اجبای آلمان مغتخر گشتند و وضع محافل
 و مجامع دوستان استنکارت و اسلنگن را شرح دادند و بیان خلوص و اشتیاق به یک مشتاق
 پرداختند و از اینگونه حکایات و بشارت و نوید نثر نفحات الله در آنجغات قلبی و سر و ساختند
 و خیلی مورد عنایت شدند آن شب محفل پر بشارت و مسرتی در منزل مسیو و مادام در نفوس یارانی
 منعقد و از اهالی امریکا و انگلند و پاریس و ایران و آلمان و ملک عثمانی نفوس کثیره حاضر و مجتمع
 پس از تلاوت ساجات عربی و نطقهای مسیو در نفوس و توفیق شوارز میکل بی نیاز محفل یاران
 و رود فرمودند و قلوب مجبان را از شدت سرور و فرط جور غبطه روضه رضوان نمود و خطابی
 در لفظ و قوت کلمه الله و نفوذ امر حضرت تعالی ادا نمودند که به بینید در این مجمع چگونه شیخا من مختلفه
 آلمانی و ایرانی و امریکائی و انگیزی و فرانسوی را با نهایت الفت صمیمی مجتمع نموده شرق و غرب را
 دست در آغوش ساخته اینگونه ارتباط و ایسان وحدت و اوستیج قوه فی ممکن نبود مگر باین
 قوه الهیه و اثر نفوذ کلمه مبارکه جامع الی آخر بیان الاعلی -

روز ۲ جمادی الآخره (۲۱ مای) شخصی صبح از حضور مبارک و جی در خواست نمود
 با دعایت شد فرمودند ولی دل فوجی کمن زیرا اسراف همیشه انسان را ملول و سرگردان نماید
 من اگر می بینید بعضی تعارفات و مخارجات بنمایم جمیع محض اداء و طائف دینیة و ملاحظات
 امر الله است بعد تسبیح آنها معلوم خواهد شد در ایام بغداد و ادراة من کلاه و لباس چند
 ساله فی که تار و پودش از هم گسته بود دوشتم و ابدار منی بقرض نیشتم حال هم اگر نظر بعض
 مورد ملاحظات نبود محقر تر و ارزان تر محلی از محلات این شهر می گرفتم هر چیزی برای رفع

احتیاج است حتی خوراک ولی زیاد از احتیاج سبب فسردگی و کسالت فیهی برض و علت گردیده
 انسان باید پست باشد که باین شئون قناعت نماید و خود را باین زوائد آلوده مشغول سازد
 فضیلت انسان کمالات الهی و معرفت اوست و غلبه جنبه روحانی بر جنبه حیوانی اتمی و چون جمعی
 از دوستان آلمانی و امریکائی و انگلیزی و فرانسوی و ایرانی مشرف شدند فرمودند و شما ما
 گلهای رنگارنگ حدیقه ملکوتی همی بستید این گلهاست که بچوقت پژمرده نشود خشکیده و پاره
 نمی گردند همیشه از فیوضات ملکوتی همی سرسبز و خرمند زیرا طراوت و لطافتشان صرف از
 محبت و الفت روحانی است و مقدس از شائیه جسمانی و نسبت در ربط عالم مادی بعد از مجلس
 شخصی بجهائی بسیار روحانی موسوم بسیو بوناریک که از تو لوز آمده بود مشرف و مورد عنایت
 گردید و بر تبلیغ امر الله و نشر نفحات الله از قم مطهر شوق و ولادت شد و همچنین یکی از بزرگان
 مصر تشریف حاصل نموده در اوطاق مبارک از عنایات و بیانات بدیعه بی نهایت مشعوف و
 مفتخر گردید بعد از ظهر باز دید بعضی از دوستان و نفوس محترمه شرقیان تشریف بردند
 چون مراجعت فرمودند جمعی از اجابا که در منزل مبارک منتظر زیارت تقای انور بودند بعنایت
 و فیض جدید فائز گشتند مس اردین را بر نطق در مجامع و ترویج مسائل لطیفه تشویق فرمودند
 عرض کرد که فکر من آن بود که مقام زن سکون و سکوت است و شان مرد قیام دند اهلته نجات
 می کشیدم صحبت بدارم فرمودند در ملکوت الهی زن و مرد یکسانند جمیع بایدند بافق علی بنی
 و نشر نفحات الله کنند چون شرحی در سن رفتار و نشر آثار خطاب بخصار فرمودند برای شیء گردش
 بیرون تشریف بردند و شب تقاصیلی در مسائل تصوف بحیث سیو و مادام ریشار در بیان نمودند حضرت

بی نهایت از الطاف و فیوضات بزم حضور فسط و مسرور گشتند -

روز ۲۵ جمادی الآخره (۱ جون ۱۹۱۳) حضرت آقا میرزا جلال صهر مبارک و جناب میرزا علی اکبر نجوانی از ارض اقدس مراجعت بحضور مبارک نموده بیان عشق و اشتیاق عشاق کوی یار را در محضر اطهر طلعت نور معروض میداشتند و از مبارک ثمره سدره سبنا حضرت و رفته علیا و حرم اقدس علی و درقات مبارکه شجره نیا و افنان و اولیای جمال بی همتا پیام اشتیاق و عبودیت بعرض مبارک میرسانیدند و آرزوی دل‌های بیقرار را در مراجعت و دیدار جمال مختار بهر زبان شرح میدادند و ذکر انتظار حتمیت و عده کثیری از مسافریں را عرض نمودند تا آنکه لسان عنایت بذر دوستان شرق ناطق فرمودند که در من و لو اینمت در صفحات غیب بودم ولی همیشه قلم منمایل شرق بود و فکر من متوجه یاد اجبای شرق علی مخصوص اولیای ارض مقدس که همیشه باید خلوص و خدمات آن دوستان مانوس و مشغوم پس یکت یکت از حال احباب استفسار فرمودند و احوال اصحاب ارض اقدس و بز شام و بز مصر و قفقاز و روسیه و ایران پرسیدند و چون پرسند رسید رجا و اسند عای مشتاقان بجهت تائید و توفیق بر خدمت امر الله در حث انور علی معروض و مذکور آمد از قبل حضرت حیدر قبل علی و یاران ارض مقدسه حضرت ابو الفضائل و دوستان بز مصر حضرت بشیر الهی و اجبای فارس حضرت محب السلطان و آقا میرزا غلام علی و ناشرین نفعات پیمان حضرت و حضرت ابن ابهر و حضرت ابوبصیر و جمیع ایاد امر سبحان حضرت حاجی میرزا ابوالحسن امین حاجی غلام رضای امین و همه امنا و رحمن حضرت سینای معرفت الله و تمام مبلغین امر الله حضرت سمندر و حضرت حکیم الهی و اجبای قزوین حضرت بهجت

ملک و متجان رشت برادران احمدا ف و یاران آذربایجان مآبهرام و دوستان زر و دنیا
 جناب حاجی مهدی رفیعا و بھاشیان اسرا ئیلی ہمدان ابناء حضرت مرفوع محمد مصطفی و اجابای عرب
 جناب حاجی سید محمدی و آقا سید مصطفی و آقا میرزا محرم و اجاب ہندوستان حضرت آقا
 میرزا محسن و اصحاب یاد کو بہ خادمان آستان اٹھی دوستان عشق آباد بقایا و بازماندگان شہدا
 و دوستان یزد و اولیا و اجابای کرمان و ساثر بلاد و مدن و قرآء و قصبات از فضل محیط و کرم
 بسط مطلع فیوضات احدیہ استعدای عون و عنایت و حفظ و حیانت جمع شد و از برای کمل
 طلب تائید و رجای توفیق بر میثاق و وعدت در امر ملک آفاق و عبودیت کلمہ نافذہ مشرق ہر
 گردید و نوید سرعت سیر و مسافرت طلعت مشہود و بطرف مشرق از قم مبارک صادر شد بعد از آنکہ
 ذکر نظر اجابے اختیار و پیام عبودیت و دوستان طلعت مفضو بوضع اقدس و سمع الطھر رسید
 تشریف فرمای صالون ہو مل شدہ و محفل عمومی نظر بسوالات بعضی از حاضرین نطق و بیان مبارک
 و تبیین بیان فیکل شیخی تفصیل کمل شیخی بود و استدلال بر رحمت مسیح بنصوح صریحہ انجیل و شن نفوس
 امر اللہ و اثرات کلمہ اللہ در قلوب اصحاب و ائم دنیا و بیش از ساثر آیام از روز تا اثرات
 بیانات مبارکہ جالب قلوبے جاذب نفوس گردید و ہم در از روز قصائد و غزلیاتی از بعض
 دوستان ایران در محامد و لغوت بیکل انور پیمان انشا و ارسال شدہ بود رسید و نظر بخواہشی
 و آرزوی آن عشاق در پنچگاہ عنایت و وثاق و بہر میثاق قرابت و ترسیل شد از ہلکہ غزال پڑ
 علاوتی از جناب بنیش شیرازی (عماد آبادی) بود کہ بواسطہ حضرت تاجران آقای آقا میرزا الہادی
 صہر مبارک برای تقدیم ارسال شدہ بود بسیار مقبول استمان فضل و بود گردید و قصیدہ فی از جناب

مسئله قزوینی خیلی سلیس و بیح در شنا و وجه بسیج بود و در آخر آن مزارها بیان بحث فیما بین خود و حضرت سید نصرالله با قراف نموده بود که ایشان چون عاقلند لهذا مرا از بیان عشق مانع و جز عبودیت در باره مطلع فیوضات حدیث علو در مدائح را غیر مائل چون آن اشعار آبدار بسمع و لبر اهرار رسید فرمودند آنچه جناب سید نصرالله در مقام عبودیت بعد لجهت ذکر کرده اند آن صحیح است پس شرحی در مراتب عشق و اشتیاق اولیا، الله بیان فرمودند که اینگونه عشق از کمال عقل حاصل گردد لذا هر قدر بنیان و اساس عقل و معرفت متین تر باشد قصر مشید عشق عالی تر شود. گزندیدی عقل روی نقشه جوکی نهادی سوی عشق یار رو عقل و عشق اهل حق خورگرفت نی چو عقل و عشق دنیای دنیست و در آن مخصوص حکایاتی از نظم اطهر صادر شد که بسیار مفصل بود.

روز ۲ جمادی الآخرة (۲ جون) صبح در سالون هتل مشی می فرمودند و از یاد و ذکر ارض قدس اطهار شریف و مسرت می نمودند که چون آن ارض مبارک مرکز امر الله است از اینیت آن جمیع دواثر سالم ماند و چون مکرر ذکر چهل نفر مسافرن در حیفا و انتظارشان بجهت زیارت جمال انور علی بسبح اطهر رسید فرمودند همین هفته حتما حرکت مینمایم فی تحقیقه چای ایران در این سبیل تحمل شدائد بلا یا نمودند و سپهر سهام اعدا گشتند (بعد ذکر بعضی از مهاجرین فرمودند که) از بغداد تا اورن بعضی از اجاب مثل جناب آقا رضا و جناب آقا میرزا محمود و آقا میرزا جعفر خیلی زکشتند و واقعا نفوس مبارک که بی بودند در راه و منزل خدمت یک اردو میگردند همیشه جلو کجا و به مبارک میدیدند و چون بمنزل میرسیدند با آن گرانی و مخطی آذوقه در آن راه در هر منزلی باید تدارک غذا و شام بکنند و اکثر اوقات تا نصف شب من با یکی از آنها در دوات بجهت کا و دوا آذوقه

حیوانهای گشتم بعد از نصف شب بخوابند که میخواستند قدری راحت بشوند قافله حرکت می کرد
 شب روزشان بر اینوال میگذاشت آنی راحت نه میخواستند بعد نطق مبارک و جمعیت در خصوص
 جامعیت امر الله در هر قرن و عصری بود که همیشه آئین یزدانی جامع کمالات و فضائل عالم انسانی
 بود و هر فیض و فضلی از آن مأخوذ و در ظل آن موجود گردیده و دیانت الهیه و جهت جامعه آن
 بیگل مگر می ماند که دارای جمیع اعضا و جوارح و عبارات از ما محتاج عالم انسانی باشد پس شرحی
 از فلسفه الهی و فلسفه طبیعی و تفصیلی از سیر جواهر فردیه در صور نامتناهیته عالم وجود و ظهور کمالات
 آنها در هر صورتی از صور موجودات فرمودند که بیشتر جلب وقت نفوس نمود و جذب افکار عقول
 عصر بعضی از بزرگان و شمه زادگان مشرق مشرف شدند اتفاقاً یک ایرانی که تا آن وقت بمشور
 مبارک تشریف حاصل نموده بود اجازه خواسته وقتی بمحض ظهر رسید که مشاهد خضوع و تعظیم
 بزرگان ایران سبب حیرت و انقلاب شد و گفت این عظم برمان حقیقت است برای من که می بینم
 نفوس حلیله فی که اعداء این امر بودند و شب و روز با کمال قدرت و قوت در صد قلع و قمع
 این طائفه حال در چنین شهری با نیدرجه آنها را قوت و نفوذ امر خاضع و ساجد کرده باری خطا
 به نفسی بیانات مبارکه مفصل بود و در مسائل عدیده کلمات نافذ و جاذب قلوب و ارواح
 تا ساعت پنج که مجلس اجبارخانه مسیومادام سگات تشریف فرما شدند و پس از تلاوت مناجات
 و آیات عربی و ترجمه آنها بفرانسوی و نطق و بیان بعضی از اجبا و آما، الله چون از او طاق علی عهد
 بمجلس شاقان وارد گشتند نطقی مخصوص عهد و پیمان نمود که مخصوص فرمودند که حفظ امر الله و
 وحدت اهل بجا منوط بشود بر عهد الله است آثار قلم میناق مبتین آیات و حسن این امر

منتهی بممال گردد و هر قبیل و قالی منجر بذلت و وبال شود هر کس غیر از این راهی خواهد بپناه افتد
و جز ترویج این عبودیت هر طالب عزت و جاهی عاقبت هدم ناله و آه گردد.

روز ۲۷ جمادی الآخرة (۳ جون) صبح پس از ذکر و ثنای خداوند یکتا و اورا

و اذکار ملک مختار بیانی از سطوت امر الله و نفوذ کلمه الله فرمودند که در بینید امر الهی

چگونه عالم گیر شده نداء الله در جمیع دنیا انتشار یافته هر صدا و ندائی را پست نموده و بر سر هر

را خاص و خاصه کرده است چون هر قلمی علی مرتفع شد طنین ذباب اثری نماید و وقتی چاک

میل نمودند میفرمودند امروز جنود توفیق و تأیید طهیر نفوس است که بر خدمت کلمه علیا قیام

کنند و با علاء امر الله مشغول شوند قوای آسمانی ان نفوس مبارک را نصرت نماید بر جمیع

قوای عالم غالب مظفر گرداند اگر مردم اندکی تامل و تفکر کنند زود حالت آفتاب حاصل نمایند

و در یابند که آرامگاہی جز در ظل کلمه الله نیست و جز نشیبت و توجیه بقوه معنوی و تعالیم الهیه

پس امری سبب مسرت روح و تسلی خاطر و اطمینان وجدان نه هیچ کنجی بی دود بی دام نیست غیر

خلوت گاه عشق آرام نیست عنقریب خواهید دید که تمدن اروپا پیاپی نیز منجر بجنک عالمگیر و منتهی بانقلاب

برج و برج شود جمال مبارک چه صدقات و بلا یاری را تحمل فرمودند چه نفوس مقدسه فدا شدند

تا این بنیان سعادت و عزت ابدی تاسیس شد و این خیمه وحدت عالم انسانی بلند گردید حال

باید اجبای جمال مبارک شب روز مشغول خدمت در فکر حفظ و حراست اساس امر الله باشند

نخود مشغول نباشند از جمیع شئون و افکار شخصی چشم پوشند و نگذارند این رحمت بدر رود

انتهی بعد چون جمعیت شد نظر بسوال زنی رئیسه انجمن تیا سینهها نطق مبارک در مسئله جمعیت و دل مسیح

بود بعد جناب قونسل شوارز و هم محترمہ شان مشرف شدند و آن روز عازم تنکارت بودند
 لکن پیامی خطاب باجناب آلمان از قم اظهر در آن مخصوص صادر شد که حضرت مسیح فرمود از شرق
 و غرب نفوس آمده داخل ملکات شده میشوند ولی ابناء ملکوت خارج میگرددند اینست که بسیاری
 از هموطنان و اقربای جمال مبارک از ملکوت ابھی ممنوع و محروم ماندند و شما که بظاہر دور بودید
 بهره مند گشتید و حیات آسمانی جتید الی آخر بیانہ الاعلیٰ عصر چون بعضی از سادات محترمہ مشرف
 شدند حکایت از مریم مجدلیہ میفرمودند که بایمان و خدمت امر مسیح فخر رجال گردید و شہیر آفاق
 شد چه ملکہ ما و پرستہا که گنہام شدند چه بنات و ابناء ملوک و بزرگان دنیا که بی نام و نشان
 گشتند و مریم با آنکه زنی داناتی بود چنان بقا و حیاتی یافت پس عزت و حیات جاودانی در
 ترک نشون نغسانی و خدمت باستان لہیت ہید و ارم شما بچہن مقامی فائز گردید بر شرف
 نغسات شد و تبلیغ امر اللہ قیام نمائید ترویج وحدت اساس دیان و وحدت اجناس و وحدت
 اوطان کنید و خیمہ صلح عمومی و وحدت عالم انسانی برافرازید تا در دو عالم بزرگوار و سرفراز گردید
 بعد بدین ورقہ مبارکہ و از انجا بلاقات بعضی از اعیان شرق تشریف بردند شام و ما مار
 مبارک را از روز و شب بواسطہ ابن اویب در منزل جناب میرزا عبدالکریم تہمتہ و تدارک نمود
 بہوئل آوردند ولی ملازمان حضور و مہمانہای محترم حسب الامر قرار غذا و طعامشان در صالون
 بہوئل داده شد بود روز ۲ جمادی الآخرہ (۴ جون) صبح در مسائلی کہ

راجع بہ درسہ تربیت بود گفتگو میفرمودند تا آنکہ فرمودند حسن نیت بہت اعمال حسنہ لازم است
 تا نیت خیر کہ بنزلہ ریشہ و اصل محکم منہن است نباشد شجرہ عمل بار و برکت و نتیجہ حاصل نماید و عمرا

طبقه نبخشند اساس اعظم برای حصول نتایج حسنه اعمال اهل عالم حسن نیت است نیت خیر یا بد و نفاق
 قبول نماید چه بسا میشود که نفسی عمل خیری نماید ولی نیتش خالص یا برای شهرت است یا بجهت
 عزت یا آرزوی غرور و نخوت است یا محض ریاء و ریاست اینگونه اعمال نتایج باقیه ندارد
 و سبب افتد عمومیه گردد و عالم انسانی را روشن نکند و اساسش سعادت بدی نبخشند و در بنیان
 اساس متین داشته باشد ولی اگر با حسن نیت و طوئیت مقرون شود عالم انسانی زنده نماید
 ناسوت را نمونه ملکوت سازد روی زمین را آئینه بهشت برین کند چون درست ملاحظه نماید
 یقین کنسید که این قسم نوایای صادقه و نیات خالصه از قوه کلمه الله و نفوذ دین الله حاصل گردد
 و محبت صمیمی و خلوص قلبی و خدمت بعالم انسانی از روحانیت ایمان و عرفان الهی در نفوس بشری
 ظهور و بروز نماید زیرا قوه روحانیه دیانت است که حاکم بر قلوب ارواح است تجله الله و خسته الله
 است که نافذ در عروق و اعصاب است و حافظ ضمائر و سر اثر است باین قوه قدسیه نبی آدم
 خادم و عاشق یکدیگر شوند و بنیان نظام عالم و اساس اساس حکم و مستحکم گردد و حضرت بجهت آشنائی
 در لوح عالم میفرماید حال آنچه که (از قانون) است انگیزان متمسک بظاهر خوب بنظر میآید اما
 آنچه در باطن سبب حفظ و منع است خسته الله بوده انهمی و چون جمعی از اجابا بشر فلما شرف
 گشتند نطق و بیانی از سرور الهی و مسرت روحانی فرمودند که این سرور دانی است و سبب
 دل و جان در جمیع عوالم الهی چون انسان سرورش بقبوضات الهیه باشد و هیچ حالی محزون و
 مغموم نشود و لو حوادث دنیا بر وفق مرام او نباشد و گردش روزگار ترویج آمال و افکار او
 نماید بلکه توکل و اعتماد بار آورده و مشیت الهی انسان را بجائی رساند که با وجود سعی و اهتمام در امور

آرزوی جزا نچه واقع بشود ندارد و خواهشی غیر از آنچه پیش میاید نماید در آن حالت جمیع امور
 را موافق میل و اراده خود بیند و مردج عزت و آسایش خویش نبرد جز اطمینان اضطرابی نیاید
 و غیر از صلح و صفا جنگ و جفائی بخوید چنین سروری دائمی است و چنین مقامی سبب تابدی
 من از برای شما این مقام را میخواهم با این مقام نجات و فلاح حاصل شود نه سروری که قابل تغییر و تبدیل باشد
 سروری که از امور جهانی است لابد او را انقلاب بآید چه که انسان روزی سالم است و روز
 دیگر مریض و قوی غنی است و وقت دیگر محتاج زمانی در رحمت است و زمان دیگر مبتلای خمت
 همیشه فکرش مشغول است و هر آنی روحش بعد از این معتدب و لکن چون قلبش متوجه بملکوت الله باشد
 و سرورش بقبوضات اتقی علی از هر غزنی آزاد شود دل بجهان اطمینان بد و غمخوار عالم انسانی گردد و
 مرقع آثار و اسرار رحمانی انهی بعد از ظهر بجهت خدا حافظی و در او بمنزل بعضی از پادشاهات
 تشریف بگردند و هر محلی بیاناتی مفصل از قم اظهر صادر در مرتبت بر سر چند گذر بعضی است که چشم
 اطفال بجمال نور میرسد از دور بچشم مبارک میدیدند و همیشه در ایوانها جمع بپرکت از اطفال
 و جمعی عنایت مینمودند و میفرمودند که اطفال دوستان منند من آنها را خیلی دوست میدارم
 و با آنها بنهایت شفقت گفتگو و صحبت می کردند در راه حکایتی فرمودند که دیروز دکان بیوه فرو
 رفتم دیدم نگاه بلباسها و وضع من می کنند و اظهار تعجب و بعضی تبسم مینمایند اتفاقاً عکس حضرت مسیح
 با لباسهای بلند در آنجا بر دیوار نصب شده بود او را با آنها نشان دادم که ببینید این لباس من
 مثل لباس مسیح است هیچ فرقی ندارد خیلی خاضع شدند و بسیار احترام نمودند -

روز ۲۹ جمادی الآخره ده جون صبح را پورت کنگره مشرق لاذکار هر جا که

در نیویورک منعقد بوده بحضور انور تقدیم و بسیار سبب و قلب اطهر شد اصل و ترجمه آن را بعضی از
 اعیان شرق می نمودند و سوادی از آن نیز بطهران ارسال فرمودند و چون بعضی از خبامشرف
 شدند در تشویق بر خدمات و قیام بر لوازم عبودیت و انسانیت سان عنایت ناطق بود تا مجمع
 عمومی بنیاد و نطقی در خصوص استعداد فطری و تربیت روحانی فرمودند که این اهم و اقدم
 از کمالات کتسابی است زیرا علم کتسابی و تربیت ظاهری استعداد فطری را مدد نماید و آلت
 ترویج و اجرای نیات قلوب و آمال نفوس باشد اگر علوم ظاهره با نوایای خیریه حسن خلاق توان شود
 نور علی نور گردد جهان جان را روشن کند حیات و شکل انسانی را آئینه صورت و مثال الهی نماید
 و انعکاسات عالم بالا یابد بعکس اگر انسان از خلاق رحمانی و تربیت روحانی محروم باشد علم او آلت
 ظلم شود و تربیت ظاهری بهانه و وسیله تجاوز و تعدی گردد و در هر عالمی مضرتی نباشد و مایه ضرر
 و زحمتی شود در عالم سیاست بزم رزم بیاراید بنیان آسایش را منهدم و ویران سازد و در عالم
 دیانت ترویج آراء مستقیمه و تقالید باطله نماید و مورث عداوت و اختلاف بین نفوس سبانه
 گردد و چنانکه در هر عصری عوام چون اعتماد بر رؤسا و علماء خود نمودند لهذا بر انکار و اذیت حق
 و اولیای او برخاستند چنان گمان نمودند که عمل هر شخص شخیصی میزان است و تقلید هر علم و فاضلی
 سبب حصول رضای حین حتی لباس اهل علم را علامت زهد و تقوی شمردند و صورت را دلیل حسن
 سیرت گرفتند و رایات ظهور فتنه و فساد گشتند آن بود که جمال مبارک فرمودند نه هر کلاهی نشانه
 جلال است و نه هر عمامه ای علامت علم ای بسا کلاه که علم را فراخت و بسا عمامه که حکم شرع بر انداخت
 اگر فضیلت انسان به عمامه بودی بایستی آن شتری را که معادل الف عمامه بر او حمل نمایند از علم عالم محبوب

باشد پس همیشه در صد آن باشید که سبب تخمین خلاق شوید و تحصیل و ترویج کمالات روحانیه
 نمائید. آخر شرحی از خلاق روحانی رجال و سائیه بھائیان ایران فرموده حرکت نمودند
 و بعد از مخصی نفوس تلگراف مبارک بامریکا صادر که مکاتیب را پوسید بفرستند عصر سیزده
 تشریف بعضی از دوستان بدین ورقه مبارک تشریف بردند و شب شام را منزل میبودام
 در نفوس بارنی تناول فرمودند و جمیع خدام حضور نیز در آن بزم سرور مدعو و موعود و شکر لطف
 و عنایات مبارک مشغول
 روز اول ماه رجب ۱۳۳۱ هـ (عجون) چون صبحگاه

از اطلاق مبارک بیرون تشریف آورده در صالون جلوس فرمودند حکایت از ایام
 بغداد و اقدار جمال ابی و قیام بر علاء کلمه الله میفرمودند از جمله ذکر کیوان میرزا را فرمودند
 که بواسطه میرزا محیط خواست در کمال خفا نصف شب بحضور مبارک تشریف شود چون این استدعا
 شاہزاده از روی تفتن بود نه تبصر و تدین لهذا جواب فرمودند که من در سفر کزدستان غنی
 نوشته ام که دو بیت آن نیست گر خیال جان ہی بست بدل انجامیا و ز شارجان و دل
 داری بیا و ہم بیا رسم ره نیست اگر نسل بھاداری طلب و رہا شی مرد این ره دور نخت
 میا اگر باین شرائط میاید بسیار خوب و الا فلا میرزا محیط این بیان مبارک را بعینه برای حکایت
 کرد چنان خائف شد که جرأت تشریف نمود طوی کشید که خبر فوش رسید و بواسطه محرقه نشید
 دنیا را وداع نموده ره سپرد و دیگر گردید از اول امر استعنا و استقلال جمال مبارک جمیع را
 حیران نمود و قیام مبارک بر تھذیب خلاق و تقدیس و انقطاع نفوس سبب اطمینان خارج
 و داخل گشت روز بروز آیات و تعالیم مبارک که عنایات را فاضل کرد و انوار شمس حقیقت آفاق منور

و لایع نمود تا آنکه غلم امراتش مرتفع شد و نزد دول و مل عالم مسلم که بیظافتی بیج نیت و قصدی
 جز صلح و صلاح اهل عالم ندارند و بسبب مدخله در امور سیاسی و فساد نخواهند جان دهند نه جان
 ستانند چه قدر مردم بی نصافتند که از این آثار با بهره و ششون عظیمه چشم پوشند و کفران نعمت نمایند
 والله الذی لا اله الا هو اگر نه قیام جمال ابھی و صریحاً مسلم علی بود جز هیچ مرجع بجا بیها اثری از ظهور
 نقطه اولی باقی نمانده بود عبارات مخلوط و مخلوط آن ابله و حرکات ناشایسته او و مثال او
 کار را بجائی رسانید که هر قبح و فسادى را خلق باصل امر نسبت میدادند و هر بجهانه نئی بدست
 دشمنان امریافتاد دیگر عوام چه خبر داشتند که اصل امر مقدس از آلائش اهل نفس مہوی است
 اذیت بکلی مسلوب شد جمیع خلق یقین نمودند که با بیها دشمنان جان و عرض مردمند یاد دارم
 که در قضیه شاه در طهران آخوندی در بر راه و گذری فریاد میزد می گفت ای مردم اگر خدا را
 دوست دارید پنجه را میپرستید حفظ جان و مال و ناموس خود را طالبید با بیها را بکشید اینجا
 دشمن دینند و مخالف آئین و چنان چنین این وقایع و حوادث نبود مگر بسبب او هموست بحی و
 سید محمد صفهانی و ملا جعفر زراتی که صفحہ تاریخ آن ایام را تیره و تار و ذلیل اظهار کرده نمودند
 ببینید جمال مبارک بچه اقتداری قیام فرمودند و امر الله را چگونه نصیانت و نصرت نمودند که
 ولو نفوسى این امر را مخالف شریعت خود گفتند یا بعضی قبول صدق ادعا نمودند اما شهادت بر
 عظمت و قدرت دادند و گواه بر تقدیس و تنزیه بیها شایند و عدم مدخله شان در فتنه و فساد
 مشہود و را قایلیم جهان اما بیجا بیها در هر امر منکری حاضر و هنوز سیئات آمال و اعمالشان در خارج
 و داخل ایران مشہود و مدخله و فسادشان در اداره های سیاسی ایران معلوم موجودی بچشم

اهل بجا از جمیع این مفاسد در کنارند و متوجه بلکوتانوار و مستک بوسایای جمال خستار که میفرمایند
 اگر بقوت لایموت محتاج باشند بمال یهود دست دراز نکنند تا چه رسد بغیر و همچنین میفرمایند این
 تفتلوا فی رضا و خیر من ان تفتلوا و همچنین بایولیا الله و امثاله ملوک مظاہر قدرت و مطالع
 عزت و ثروت حقتند در باره ایشان دعا کنید حکومت ارض بان نفوس عنایت شد و قلوب را
 برای خود مقرر داشت نزع و جدال را نمی فرمود نخصیا عظیما فی الکتاب امر الله فی هذا الظهور
 الاعظم و عصمه من حکم المحو و زینه بطراز الاثبات آنه هو المقدر بعسیم بعکیم نتی از این قبیل بیانات و
 کلمات مبارکه مفصل و کثرت از نظم مطهر جاری گردید تا نوبت محفل عمومی رسید و در خصوص نیت و سفا
 فطرت که لازمه پیشرفت امور و جاذب تائیدات رب غفور است نطق مبارک سبب شرح صدور
 گشت در آخر مجلس کی از منجه بان جمال مشهور از چگونگی حال نفوس سوال نمود که دارای همان خلق
 پسندیده اند ولی مؤمن نیستند فرمودند «چون این ظهور ظهور فضل است لهذا کسانی که اعمال طیبه و
 خلاق حسنه دارند هر چند مؤمن نباشند از رحمت الهی بی نصیب نخواهند بود لکن از برای اعمال
 فضائل انسانی در جاست یک عملی است که فائده ان راجع بشخص انسان است عمل دیگر اثرش
 راجع بعالمه انسان یا بقوم و قبیله او اما یک عملی است که فائده و اثرش راجع بمجموع اهل عالم است
 و تا بخش غیر محدود و اثرش باقی بقیاد عالم وجود موفقیت بانگونی در عمل کمال عالم انسانی است
 و این کمال بتسک بتعالیم الهیه و قوه معنویه حاصل شود این است که در ادیان الهیه قبول عمل انسان
 بعرفان مشرق امر منوط است و علم عرفان بعمل بوسایای ملک متان معلق و مربوط علم و عمل
 چون با هم باشد و اطاعت با عرفان توأم گردد نتیجه عالم وجود مشهور شود و سر موهبت ربود

در چیز شهود جلوه نماید انتهی آن شب میل اکرم منزل حد عزت پاشا موعود بودند و چند نفر از محرمین شرق در اینجا با قبتاس نوار از شرق اشراق شرف و سعادت سرمدی جستند و بیشتر بیانات مبارکه در آن منزل مفضل در خصوص نتایج ایمان و عرفان بود و حکایت از بلا یا مشقات مظاہر طہستیه و بہایت اظہار امر و تائیس دیانت حقہ

روز ۲ ربیع (۶ جون)

بامداد هنگامی کہ چای میل میفرمودند ذکر خدمات و خلوص بعضی از خدام آستان مقدس منبوءند و بیان مبارک منتهی بحکایت و ذکر ایام حیات چند نفر اصحاب اول امر شد از جمله صدق و خلوص حضرت شیخ سلمان کہ حامل آثار طہستیه و قاصد کوی جانان و دیار عاشقان بود و شرحی از شقاوت و عرفان حرم حضرت ملا علی جان شبید علویہ خانم و حضرت روحانی بشر دینی کہ در این کور عظیم این نسا، فخر رجال بودند و حال قدرشان مجہول بعد ذکر شب گذشتہ در منزل حد عزت پاشا فرمودند کہ بوجد اقدس بسیار خوش گذشتہ بود و چون اجاب شرف تقاضا فرمائید بزم فضل و احسان بجواب سوالات دوستان منتهی شد از جمله بیان مبارک در جواب سوال از شجرہ دینی کہ آدم بسبب خجی ردن میوہ آن از جنت عدن بیرون شد این بود کہ «و مراد شجرہ حیات نہایت در منہیات یعنی نجاست و شہتہات آن انسان را مسؤل میدارد و از مواہب جنت جان محروم مینماید مگر آنکہ آدم بر صراط اعتدال و طریق تعالیم الہیہ حرکت و منشی کند و از نشان دہد خود تجاوز ننماید زیرا در عالم امکان حیات و نجات ہر شیئی از اعتدال و حرکت بوقع است و مہمات و ہلاکتش تجاوز از اعتدال و عمل بغیر بوقع ہر امر ممدوح و گفتار و کردار مفیدی چون از اعتدال و موقع تجاوز کنند قبیح و مضر گردد و حضرت بھت آسما میفرماید ہر امری از امور عند اشس محبوب چون

تجاوز نماید سبب ضرر گردد در تمدن اهل غرب ملاحظه نمائید که اسباب بخت اهل عالم شده سبحان الله
آلات جهنمیة بیان آمده و در قتل نفوس نسبایی موجود که شبه آن چشم ابداع ندیده در سوال از مسئله
جبر و تفویض نمودند فرمودند انسان در اموریکه راجع تخمین صفات و تعدیل خلاق است و سبب
علم و صعود بمقامات عالیة متعالیه مختار است نیست که استعدادات فطری و موافقتی در عالم
انسانی تربیت کامل گردد و خار زار حاصل و جا گلزار علم و صفا شود و ظلمتکده عداوت و بغضا
آشکده محبت و دفا گردد اما در امور کلیة و قانون قدرت انسان مدخله تواند و اختیار ندارد
مثلاً نمیتواند بگوید چرا پر شده ام و قادر بر این نیست که همیشه زنده باشد و هرگز نیرد در رنگونه
امور بسته مجبور است و لکن در تحصیل فضائل عالم انسانی و کتابات کمالات روحانی مختار است
و بر تبدیل اعمال و اطوار و قبول تربیت و حصول علم و معرفت قادر و عظیم اساس تربیت نوع
انسانی در این عالم ترابی تعالیم و قوانین الهیت اگر شما بخواهید در حسن خلاق شخصی تربیت نمائید یاها
باید زحمت بکشید و تحمل ناملایمات کنید تا آنچه شود و تا چه درجه تربیت شما در او تاثیر نماید آن
تاکی باقی ماند و چه نتیجه بخشد ولی چون انشخص در ظل دیانت الهیه در آید بجز در ایمان بکلی منقلب شود
و از صمیم قلب محبت عالم انسانی گردد و در جمیع احوال و اطوار ترقی کند و خلق جدید شود چه که در نظم
و نظام عالم و راحت آسایش هم رفتار و کردار عامی متدین مفید تر است از اعمال عالم غیر متدین
علی الخصوص در مواقعی که قوانین و قوه سیاست نافذ و مانع نباشد و خیال غمت و خوف و شہرت
بیان نیاید انوقت قدر مقام تربیت الهی و نفوذ و نتیجه تعالیم روحانی معلوم شود که عصر انروز
نیز محفل لقائیت قدرت عهد الله و دلیل نفوذ کلمه الله بود که چون با و طاق صالون شریف آورد

عباس شدند اول یکی از شمه زادگان ایران مشرف شد با وجود آنکه در محضر انوار اطهار خلوص قلبی و
 حضور عظیمی منبسط نمودند نظر بقتضای جوانی با زحمتی با تخریب داشت چند دقیقه طول کشید که حمید
 عزت پاشا که یکی از رجال دولت در ایام سلطنت عبدحمید بوده با نهایت ادب و تعظیم بحضور مبارک
 مشرف و با اطهار خلوص ارادت مشغول در آن میان جمعی از رجال و سائر محترمانه انگلیزی و ایرانی
 و فرانسوی برای تشریف دارد با حالت انجذاب و خضوعی که یکی دست مبارک را بوسه میداد یکی
 دهن مبارک را می گرفت و آنحضار از تشریف بلقاعی انور منبسط و استعدای تأیید و توفیق در خدمت
 می کرد و لسان مبارک در تأیید آنها بر علماء کلمه الله ناطق شده زاده محترم که چون آن جذب و شور
 نفوس و خضوع و شوق پشان اشخاص بلیه را در ساعت نورانی دید یکی مبهوت ماند تا آخر مجلس که
 آنحضار حیرت از نفوذ کلمه الله و عظمت امر الله نمود و گفت از برای مشرفها علی الخصوص ما را چه افتخار
 اعظم از این است که اشخاص بسیار محترم شرق و غرب با این درجه خاضع و ساجد این امر مشاهده نماییم و
 شخصی در مجلس شرقی را مسجد اهل غرب بنیمیم، آن شب طلعت پیمان با بعضی از خدام آستان دینزل
 موعود بودند قبل و بعد شام نطق و بیان مبارک و خصوص کیفیت ظهور منظر الهیه بود و مفسرات
 تعالیه و تعصبات رؤسای دینیه و مظلومیت هیات مقدسه و اولیای الهیه و بیان مبارک چندان
 مؤثر که نهاندار محترم را حالت رقت شدید دست داد و اشک از دیدگان جارید.

روز ۳ رجب (۸ جون) چون صبح اجناد و دوستان شنیدند که مسافرت حرکت

بیکل اقدس از پاریس نزدیک است بسیار اطهار تا اثر و تحسین نمودند و لسان مبارک در دست و تکرار
 بیان باین کلمات مبارکه ناطق (هوا) ما قرب روحانی داریم قرب ارتباطی که آن بعد از نفی

از پی نباشد احمد شه زبیدی تا بنده است شمس حقیقت درخشند است صبح عطا طالع است کوکب
عنایت ساطع و لامع و لواز نظر ظاهر پنهان باشیم در عالم دل و جان ظاهر و نمایانیم جسم هر چند
همچو باشد روح دائم بفيض لقا و حضور بانوس و قلوب بیکدیگر نزدیک و مربوط قلب صفائی بنزله آئینه
است هر قدر آئینه از خورشید دور باشد باز از همه اشیا بیشتر حکایت از انوار کند و تجلیات
اسرار نماید پس استعداد و صفای قلب شرط است نه قرب مکان امیدوارم در جمیع عوالم البتة
با هم باشیم در عوالمی که مقدس از زمان و مکانست محشور گردیم بفيض است در جمیع عوالم با هم بوده
و هستیم و حال هم در عالم انسانی که خلاصه و نتیجه عالم جاود و نباتات و حیوانات با یکدیگر مانوسیم دلی
و جهان تاریک است اما جهان طی فیض و نصایبش نامتناهی باری همه خلق شهر پاریس را دوست
دارید و امیدوارم شما نوعی رفتار نمایند که ناشر نفعات الله گردید و مروج تقدیر و محبت شه
احمد شه عظم و رابط بین قلوب حاصل است و آن محبت الله و وحدت عالم انسانی است را
بجائی این رابط و فیض اقدام را انستی و انعطافی نیست لهذا من بیچوقت شمارا از انور انور
این فیض عظم است که قلوب ما را چنین لفتی بخشید و محبت است که اینگونه ما را مجتمع و متحد کرده چه قدر
تنگ تاریک قلبی که در او محبت الله نیست مرده است تن و جانی که از فیض روح تقدیر مستغنیست
پس شکر کنید خدا را که در نهایت محبت و شفقت و چنین شهری که گل غرق هوا و هوسند شما آنچه
بلکوت تقدیر از بد این از نفوذ کلمه الله است که قلوب ما را با بندر جدا ارتباط و لغت دائر
و آلا ما جمعی ایرانی کجا و شما جمعی از اهل پاریس و قوم انگلیز و ملت آمریکا کجا ما چه ارتباط و مسابقی
با یکدیگر هستیم احمد شه نفوذ کلمه الله و تاثیر هر شهر چنان ما را متحد و متفق نموده که حکم یک روح یک نفس

و یک جان یافته ایم امید من نیست چنانچه در اینجهان ناسوت اینگونه نازوس و مالوفیم در عالم
 ملکوت نیز با هم باشیم من بظاهر از پاریس میروم اما روح و قلمم با شماست و نشار الله بعد از
 من بس و لغت شما زیاتر شود روز بروز روشن تر و نورانی تر گردید پس از این بیانات نسبت
 صحبت یکی از حضار در باره ایتام فرمودند خدا معین و حافظ ایتام است چه بسا اطفال غنیا
 که در دنیا آوار شدند و چه قدر اطفال فقرا و ایتام که بر توب عالیبه رسیدند اگر حفظ و اعانت
 الهی نبودی بستی همیشه ایتام پامیال شوند و اطفال غنیا بمانند پس حفظ و حمایت الهی با عموم است هر که
 در تحصیل کمالات عالم انسانی سعی تر و مستقی تر در درگاه الهی مقرب تر و در ترقیات پیشتر خواهد بود
 انهی عصر چون جمعی از جا مشرف شدند ایشان را ابتلاوت آثار قلم علی و وصایای جمال بھی مکرر
 و منوکه امر میفرمودند که «باید بوصایای الهیه عال شوید زیرا این وصایا علاج هر دردی است
 این علاج را بکار برید و فکر خدا باشید در مسائل الهیه مذاکره کنید و ششون دتیه مستغرق نگردید
 مقصد از ایمان تزکیه نفوس و نتیجه عرفان تصفیه قلوب است اساس امر الله بر محبت و وحدت
 عالم انسانی است و سبب زوال مفاسد اخلاق و مضرات عالم طبیعت انسان بقوه ایمان
 میتواند از این مضرات نجات یابد و ترویج محبت و لغت من قلوب نماید نشر آثار وحدت
 و یگانگی کند انتشار اخوت عمومی دهد و خادم نوع انسانی شود پس باید با جمع اهم در نهایت
 صدق و صفا باشید و بانی هر شئی را بغزت و تعظیم یاد نمایند نظر با اساس ادیان الهی داشته باشید
 که حقیقت واحد است و اصول مطالع حقیقت اصول واحد نه فروعاتی که راجع بقصیایات اوقات
 و اعصار بوده و تقالیدی که باعث اختلاف و نزاع بین خلق شده تا رایت صلح و صفا برافزاید